



111705



دانشگاه بلوچستان

تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

جلوهای تربیتی در جزایات اسلام

استاد راهنما:

دکتر محمد صادق علمی

استاد مشاور:

دکتر امیر حمزه سالارزایی

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۹

تحقیق و نگارش:

عطا محمد نادی

بهمن ۱۳۸۷

ادوات طباعت دانشگاه بلوچستان
تستراک

۱۱۱۶۵۴



بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان جلوه‌های تربیتی در جزاییات اسلام قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد الهیات (فقه و مبانی حقوق) توسط دانشجو عطا محمد نادی تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد صادق علمی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

عطا محمد نادی

این پایان نامه ...^۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۴۰۲ توسط هیئت داوران بررسی و درجه ...^۵ به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: محمد صادق علمی		
استاد راهنما:		
استاد مشاور:		
داور ۱:	امیر حمزه سالارزایی عابدین مؤمنی	۱۷/۱۱/۲۰۲۰
داور ۲:	نادر مختاری افراکتی	
نماینده تحصیلات تکمیلی: علیزها حبیب مسیب		



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب عطا محمد نادی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: عطا محمد نادی

امضاء

تقدیم به

زیباترین ترنم هستی

مادر

بر خود لازم می‌دانم در اینجا از پدر و مادر عزیزم که پیوسته با تمام سختی‌ها و مشکلات، مشوق بوده‌اند و من از نگاه مهربان و گرم آنان نیرو گرفته‌ام، سپاسگزاری نمایم. همچنین، از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر علمی، که چونان پدری مهربان همواره در کنارم بودند و بیش از هر چیز برایم معلم اخلاق بودند، بسیار بسیار ممنونم. از دیگر اساتید محترم به ویژه جناب آقای دکتر سالارزایی به پاس زحماتی که برایم کشیده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم؛ و برای تمامی این عزیزان از درگاه خداوند، عزت روزافزون را خواستارم.

چکیده:

این نوشتار، جستاری تربیتی در فقه جزای اسلامی است. نویسنده در نوشتار پیش رو، ابتدا به پیش‌نیازهای بحث روی آورده است و به مباحثی مانند انسان در نگاه اسلام و قانونگذاری در این مکتب پرداخته است. «فلسفه مجازات در اسلام»، «ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام» و «اصول حاکم بر مجازات‌های اسلامی»، از جمله مباحث این بخش هستند. آنگاه، نویسنده، کوشیده است تا نمودها و راهکارهای تربیتی نهفته در سیستم جزایی اسلام، در سه مرحله وضع قوانین، اثبات جرایم و اجرای مجازات‌ها را، با مراجعه به کتب فقهی و نیز گزاره‌های تربیتی، به تصویر بکشاند. در مرحله نخست، بایسته‌های یک قانون عادلانه و لزوم توجه قانونگذار به مواردی همچون شخصیت مجرم، انگیزه جرم، توجه به میزان جرم، مطابقت با طبیعت انسان، جامعیت و همه‌سویی و غیره، مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله دوم نیز به مباحثی مانند اصل قانونی بودن جرم، ادله اثبات دعوی، جرم و ویژگی‌های مجرم، تناسب جرم و مجازات و عدم اصرار در اثبات جرایم، پرداخته شده است. گام سوم نیز به جلوه‌های تربیتی در اجرای مجازات اختصاص یافته است و شامل مباحثی همچون انواع مجازات‌ها در اسلام، مجری حدود و جلوه‌های تربیتی، اجرای حدود و توانایی جسمی مجرم، فوریت اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی، حتمی بودن اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی، توجه به زمان و مکان اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی، قصاص و حیات‌بخشی آن در سیستم کیفری اسلام، شرایط قصاص و جلوه‌های تربیتی، دیه و اهداف تربیتی و جزایی و نیز تعزیرات و نکات تربیتی نهفته در آن، می‌شود. از جمله راهکارهای تربیتی نهفته در جزایات اسلام، تشویق، تنبیه، مهرورزی، ارزنده‌سازی عمل، تکریم شخصیت، مدارا و چشم‌پوشی، عفو و گذشت، می‌باشد. لزوم عنایت به این راهکارها و برنامه‌ریزی برای عملی نمودن آنها، امری است که در نتیجه‌گیری بدان اشاره شده است.

کلمات کلیدی: رشد، جلوه‌های تربیتی، سیستم کیفری، مجرم، انسان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه
۲	۱-۱- تعریف موضوع
۲	۱-۲- ضرورت تحقیق
۲	۱-۳- پیشینه تحقیق
۳	۱-۴- فرضیه‌های تحقیق
۲	۱-۵- اهداف تحقیق
۴	فصل دوم: انسان در نگاه اسلام
۵	۱-۲- رابطه شناخت و تربیت
۶	۲-۲- انسان در اسلام
۶	۱-۲-۲- آفرینش انسان
۷	۲-۲-۲- روح از دیدگاه قرآن
۷	۲-۲-۳- فطرت
۸	۲-۲-۴- گرایش‌های درونی انسان
۱۰	۲-۲-۵- منزلت انسان
۱۲	فصل سوم: قانونگذاری در اسلام
۱۳	۱-۳- لزوم مجازاتها

۱۴ ۲-۳- منابع قانونگذاری در اسلام
۲۰ ۳-۳- فلسفه مجازات
۲۰ ۱-۳-۳- نظریات مختلف در فلسفه مجازات
۲۴ ۲-۳-۳- فلسفه مجازات در اسلام
۲۷ ۳-۳-۳- ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام
۲۹ ۴-۳-۳- اصول حاکم بر مجازات اسلامی
۴۱ فصل چهارم: مجازات‌ها و تربیت انسان
۴۲ ۱-۴- مقدمه
۴۴ ۲-۴- جلوه‌های تربیتی و وضع قوانین در اسلام
۴۴ ۱-۲-۴- قانونگذار
۴۷ ۲-۲-۴- عدالت، بایسته تقنین
۴۸ ۱-۲-۲-۴- شخصیت مجرم
۴۹ ۲-۲-۲-۴- انگیزه جرم
۵۰ ۳-۲-۲-۴- توجه به میزان جرم
۵۰ ۴-۲-۲-۴- بازپروری مجرم
۵۱ ۵-۲-۲-۴- تسلی خاطر بزه‌دیدگان
۵۲ ۶-۲-۲-۴- مطابقت با طبیعت انسان
۵۳ ۷-۲-۲-۴- جامعیت و همه‌سویی

- ۵۲ ۸-۲-۲-۴- انسجام و هماهنگی
- ۵۴ ۹-۲-۲-۴- استمرار و ثبات
- ۵۶ ۱۰-۲-۲-۴- شخصی بودن مجازات
- ۵۷ ۳-۲-۴- قانون و دو ویژگی تربیتی عام و خاص
- ۶۰ ۳-۴- جلوه‌های تربیتی و اثبات جرم
- ۶۰ ۱-۳-۴- اصل قانونی بودن جرم
- ۶۲ ۲-۳-۴- ادله اثبات دعوی
- ۶۲ ۱-۲-۳-۴- اقرار
- ۶۳ ۱-۱-۲-۳-۴- اقرار و اخلاق
- ۶۵ ۲-۱-۲-۳-۴- شرایط مقرر و اخلاق
- ۶۹ ۲-۲-۳-۴- شهادت
- ۷۱ ۱-۲-۲-۳-۴- عدالت
- ۷۲ ۲-۲-۲-۳-۴- ایمان
- ۷۴ ۳-۲-۲-۳-۴- حلال زادگی
- ۷۵ ۴-۲-۲-۳-۴- متهم نبودن
- ۷۶ ۳-۲-۳-۴- سوگند
- ۷۸ ۱-۳-۲-۳-۴- قاعده البینه علی المدعی و اليمين علی من انکر
- ۷۹ ۲-۳-۲-۳-۴- چند نکته تربیتی

۸۲ ۳-۳-۴ آداب قضاوت
۸۲ ۱-۳-۳-۴ جایگاه قضاوت
۸۳ ۲-۳-۳-۴ تربیت و صفات قاضی
۸۵ ۳-۳-۳-۴ تربیت و آداب قضاوت
۹۱ ۴-۳-۳-۴ عدالت اجتماعی و وظایف قاضی
۹۵ ۴-۴ جرم و ویژگی‌های مجرم
۹۷ ۱-۴-۴ اهلیت مجرم در فقه جزایی اسلام
۱۰۱ ۲-۴-۴ اهلیت مجرم و تربیت او
۱۰۲ ۳-۴-۴ قصد مجرم و عمل مجرمانه
۱۰۳ ۴-۴-۴ اضطرار و عمل مجرمانه
۱۰۴ ۵-۴-۴ خواب و عمل مجرمانه
۱۰۴ ۵-۴-۴ تناسب جرم و مجازات
۱۰۵ ۶-۴-۴ عدم اصرار در اثبات جرایم
۱۰۷ ۷-۴ جلوه‌های تربیتی و اجرای مجازات
۱۰۷ ۱-۷-۴ انواع مجازات‌ها در اسلام
۱۰۷ ۲-۷-۴ حدود
۱۰۸ ۱-۲-۷-۴ حدود و اهمیت اجرای آن
۱۰۸ ۲-۲-۷-۴ مجری حدود و جلوه‌های تربیتی

- ۱۰۹ ۴-۷-۲-۳- اجرای حدود و توانایی جسمی مجرم
- ۱۱۰ ۴-۷-۲-۴- فوریت اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی
- ۱۱۱ ۴-۷-۲-۵- حتمی بودن اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی
- ۱۱۳ ۴-۷-۲-۶- عمومی بودن حدود و جلوه‌های تربیتی
- ۱۱۳ ۴-۷-۲-۷- حدود و شفاعت در آن
- ۱۱۴ ۴-۷-۲-۸- عدم تعدی در اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی
- ۱۱۵ ۴-۷-۲-۹- توجه به زمان و مکان اجرای حدود و جلوه‌های تربیتی
- ۱۱۶ ۴-۷-۳- قصاص
- ۱۱۷ ۴-۷-۳-۱- قصاص و حیات‌بخشی آن در سیستم کیفری اسلام
- ۱۱۹ ۴-۷-۳-۲- قصاص و فطرت
- ۱۲۰ ۴-۷-۳-۳- شرایط قصاص و جلوه‌های تربیتی
- ۱۲۲ ۴-۷-۴- دیات
- ۱۲۳ ۴-۷-۴-۱- دیه و اهداف تربیتی و جزایی
- ۱۲۴ ۴-۷-۴-۲- دیه و تساهل
- ۱۲۶ ۴-۷-۴-۳- دیه و تناسب جرم و مجازات
- ۱۲۷ ۴-۷-۴-۴- دیات و عاقله
- ۱۲۹ ۴-۷-۵- تعزیر
- ۱۲۹ ۴-۷-۵-۱- تعزیر و اصل بازدارندگی

۱۳۰ ۴-۷-۲- تعزیر و تناسب جرم و مجازات
۱۳۲ فصل پنجم: بررسی نظریات و شبهات
۱۳۳ ۵-۱- قوانین جزایی و خشونت
۱۳۴ ۵-۲- قوانین جزایی و ناعادلانه بودن
۱۳۵ ۵-۳- قوانین جزایی اسلام و ناکارآمدی
۱۳۷ ۵-۴- نتیجه‌گیری
۱۳۹ فهرست منابع

فصل اول

مقدمه

۱-۱- تعریف موضوع

رشد و کمال انسان، و تربیت و پویایی او، هدف والای زندگی و غایت همه پیامبران الهی بوده است. تربیت، به «ایجاد کردن تغییرات مطلوب در کسی یا چیزی، گفته می‌شود». (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۶۸۶/۳)

نوشتار پیش‌رو، می‌کوشد تا راهکارهای ایجاد تغییرات در نفوس آدمی و تربیت او را در جزایات اسلام، مورد کاوش قرار دهد.

۱-۲- ضرورت تحقیق

تحقیق حاضر، ضرورت خویش را از ضرورت تربیت انسان و لزوم شکوفایی استعدادهای او می‌گیرد.

تردید نیست که مجازات، در هر سیستم اجتماعی، عاملی است برای برقراری و گسترش عدالت در جامعه و تربیت و اصلاح مجرمان و ضامن امنیت و آرامش مردم! مجازات‌ها زمانی می‌توانند دارای چنین پیامدهای نیکویی باشند که مطابق با طبیعت و فطرت انسان و بر اساس شیوه‌های درست تربیتی، نهاده شوند. از آنجا که دین اسلام، آیینی است که آموزه‌های خویش را بر اساس فطرت انسان بنا نهاده است؛ بررسی و آشکار نمودن شیوه‌های تربیتی در جزایات - که یک دسته از آموزه‌های آن هستند- در راستای بکارگیری آنها در عینیت اجتماع، امری بایسته است.

۱-۳- پیشینه تحقیق

بحث جلوه‌های تربیتی در جزایات اسلام، امری است که تا کنون، پیرامون آن، گامی برداشته نشده است. در بررسی‌های انجام شده، ما به کتاب و مقاله‌ای در این زمینه برخوردیم. از این رو، در نوشتار حاضر، تازگی موضوع، ما را با دو مشکل - که در حقیقت یکی هستند- روبرو ساخت. بزرگ‌ترین مشکل، نبود منابع مستقل برای تحقیق و بررسی این موضوع بود. هر چند، پاره‌ای مقالات و برخی کتاب‌ها در زمینه‌هایی مانند فلسفه مجازات و رابطه اخلاق و فقه نوشته شده است، اما این نوشتارها در یاری رساندن ما نقشی اندک را دارا بودند؛ زیرا آنچه نوشتار حاضر به دنبال آن می‌باشد، ارتباط مستقیمی با موضوعات یادشده ندارد. از این رو، نبود منابع مستقل برای نوشتار پیش رو، مشکلی بوده است که با آن روبرو بوده‌ایم. از سوی دیگر، کتابهای اخلاقی موجود نیز به گونه‌ای نوشته شده‌اند که متناسب با غرض و هدف ما در این نوشتار نمی‌باشند. بدین خاطر، برای رسیدن به اهداف مورد نظر، نخست پاره‌ای کتابهای اخلاقی مطالعه شد و سپس احکام جزایی با نگاه تربیتی و

اخلاقی مورد بررسی قرار گرفت. بهره‌گیری ما از کتب اخلاقی و تربیتی در این نوشتار، چنان دور بوده است، که کتاب‌های اخلاقی مطالعه شده را در زمره منابع مورد استفاده در این بحث، نیاورده‌ایم. اما حق آن است که علاوه بر منابع یاد شده، کتاب‌های تربیتی فراوانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در مباحث ما سهیم می‌باشند.

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

الف) سیستم جزایی اسلام، خشونت‌آمیز نیست.

ب) سیستم جزایی اسلام، بر عدالت استوار شده است.

ج) بر خلاف پندار برخی، امروزه، سیستم جزایی اسلام، کارآمدی خود را داراست.

۵-۱- اهداف تحقیق

الف) آشکار نمودن راهکارهای تربیتی نهفته در جزایات اسلام و لزوم توجه به آنها

ب) زدودن برخی شبهات از ساحت جزایات اسلام

فصل دوم

انسان در نگاه اسلام

۱-۲- رابطه شناخت و تربیت

شناخت، رکن رکین هر موضوعی است که محل بحث اندیشمندان و متفکران قرار می‌گیرد. آگاهی به اطراف و جوانب یک موضوع، ضامن عدم انحراف و کجروی است. اگر این آگاهی موجود نباشد و یا ناقص باشد، تباهی و کجروی، حتمی است. بنابراین لازم است پیش از آنکه به یک موضوع پرداخته شود، عناصر اصلی آن مورد بررسی واقع شوند و اهداف و اغراض مشخص گردند.

از این روست که رسول خدا ﷺ فرمود: « آنکه بدون آگاهی کاری انجام دهد، آنچه تباه می‌گرداند از آنچه به سامان آورد، بیشتر است.» (برقی، المحاسن، ۱/ ۱۹۸) و امام صادق علیه السلام می‌فرمود: « عمل کننده بدون بینش، چونان رونده بر غیر راه است که شتاب در رفتن، جز بر دوری‌اش نمی‌افزاید.» (همان)

در اینجا نیز که سخن بر سر تربیت انسان دور می‌زند، ناگزیریم که ابتدا انسان را بشناسیم و داشته‌های او را واری کنیم، سپس به تربیت او بپردازیم. چگونه می‌شود پیش از شناخت انسان از راهکارهای تربینی او سخن گفت؟ یا چگونه می‌شود بدون اینکه انسان شناخته شود برایش قانون گزارد و او را پرورش داد؟

بنابراین، شناخت، بایستی مقدم بر تربیت باشد. تربیت‌هایی که بدون این گام انجام شوند، جز دوری و تباهی میوه‌ای نخواهند آورد. این شناخت است که به ما این امکان را می‌دهد تا در دیدگاه و مسیر و هدف به انحراف نرویم. آنکه دارای بینش درست است به خطا نمی‌رود و کسی در مسیر اشتباه نمی‌کند و به هدف می‌رسد که چشمه‌سار وجودش از آب بینش به درستی سیراب شده باشد. از همین روست که اسلام به شناخت انسان اهمیت زیادی داده است، چرا که پایه و زیربنای مسایل حقوقی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی و غیره را انسان تشکیل می‌دهد. قرآن کریم، انسان را به شناخت خویشتن سفارش کرده است تا بتواند در مسیر زندگی راه صحیحی که مطابق با ساختمان وجودی‌اش باشد را بیابد و برگزیند. در حقیقت، هر نظام اجتماعی، مبتنی بر نوعی انسان‌شناسی است و اجزای مختلف آن بر اساس یک نوع نگرش به انسان و نیازهای وی شکل می‌گیرد.

از سویی «تبیین معقول برخی از احکام اجتماعی اسلام در چارچوب جهان‌بینی دینی - بگونه‌ای که برای غیر معتقدان به دین نیز در این چارچوب، متناسب و معقول جلوه کند- فقط در پرتو حل برخی از مسائل انسان‌شناختی میسر است؛ به عنوان مثال، در چارچوب تعالیم وحیانی، هویت واقعی انسان (انسانیت انسان) فقط در صورت حرکت در مسیر قرب خداوند (تقرب به خدا) شکل می‌گیرد و دوری از خدا به معنای از خود بیگانگی انسان و سقوط از مرتبه انسانیت و فروتر شدن از حیوانات است. با توجه به این تصویر، قانون اعدام در مورد کسی که پس از پی بردن به حقانیت اسلام و ایمان آوردن، از سر غرض‌ورزی و مخالفت با حق و حقیقت،

از اسلام روی گردانده، کافر می‌شود (مرتد) امری معقول و مستدل است؛ زیرا چنین فردی انسانیت خود را آگاهانه از دست داده و حیوانیت و بدترین جنبنده بودن را برگزیده و به میکروبی خطرناک برای جامعه تبدیل شده است». (رجبی، انسان‌شناسی، ص ۳۱)

۲-۲- انسان در اسلام

۲-۲-۱- آفرینش انسان

آنچه از بررسی مجموع آیات قرآن به دست می‌آید این است که انسان موجودی است دو بعدی و دو ساحتی؛ بعد مادی و بعد روحانی. آیات قرآن مجید در رابطه با آفرینش انسان گوناگونند و هر کدام به مرحله‌ای از آفرینش انسان اشاره دارند. برخی از آیات به آفرینش نخستین انسان پرداخته‌اند و آفرینش او را از خاک و گل و سفال و مانند آن ذکر نموده‌اند. برخی نیز به مراحل آفرینش انسان از نطفه اشاره کرده‌اند و بعد روحانی انسان را مورد توجه قرار داده‌اند. توجه به آیات زیر ما را با این گفتار بهتر آشنا می‌سازد:

﴿منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارۃ اُخری﴾؛ ما شما را از آن زمین آفریدیم؛ و در آن باز می‌گردانیم؛ و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (طه-۵۵)

﴿و لقد خلقنا الإنسان من سلالة من طین * تم جعلناه نطفة فی قرار مکین * تم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما، فکسونا العظام لحما، ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارک الله أحسن الخالقین﴾؛ و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه اخون بسته‌ا، و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (مؤمنون- ۱۲ الی ۱۴)

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این آیات مراحل آفرینش انسان به خوبی ترسیم شده است. آفرینش نخستین انسان که از خاک می‌باشد و سپس فرآیند آفرینش و گسترش نسل او که از طریق نطفه و توالد و تناسل صورت می‌گیرد.

۲-۲-۲- روح از دیدگاه قرآن

بررسی آیات قرآن کریم، ما را به این مسأله رهنمون می‌شود که انسان علاوه بر جنبه مادی و آفرینش از خاک و گل و یا نطفه، حقیقت دیگری نیز دارد که در تعبیر قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام به عنوان روح از آن یاد شده است. برخی از آیات قرآن کریم که به وجود روح و بعد معنوی انسان اشاره دارند، عبارتند از:

﴿ثم أنشأناه خلقا آخر﴾؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم. (مؤمنون-۱۴)

﴿ثم سواه و نفخ فيه من روحه﴾؛ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید. (سجده-۹۰)

آنچه به روشنی از این آیات به دست می‌آید، قطعی بودن بعد روحانی برای انسان از دیدگاه قرآن است. (طباطبایی، المیزان، ۲۵۰/۱۶) همچنین، این آیات ارزش حقیقی انسان را متعلق به روح می‌دانند. فرشتگان پس از دمیدن روح در کالبد، انسان، مأمور به سجده در مقابل او شدند. (حجر- ۲۹) به جرأت می‌توان گفت، هیچ مکتبی چنان ارزشی که اسلام برای انسان قائل شده را دارا نیست. اسلام، از سویی ماده اولیه آفرینش انسان را از چیزی پست و بی‌ارزش می‌داند، ولی در کنار آن برای او بعد دیگر و ساحتی فراتر را ترسیم می‌نماید که عقول از درک آن در می‌مانند. انسان با اینکه از ماده‌ای بی‌ارزش آفریده شده است، اما مفتخر به چیزی شده است که به واسطه آن می‌تواند از فرشتگان پیشی گیرد و چنان در مسیر قرب الهی پیش رود که قابل تصور نیست.

۲ ۲ ۲ - فطرت

فطرت، در لغت به معنای آفریدن بدون پیشینه آمده است. (فراهیدی، العین، ۷ / ۴۱۸) ابن عباس می‌گفت: من معنای «فاطر السماوات» را نمی‌دانستم تا اینکه دو نفر بادیه‌نشین پیشم آمدند و در مورد چاهی شکایت آوردند؛ یکی از آن دو گفت: «أنا فطرتها» یعنی نخست من آن را کردم. (جوهری، الصحاح، ۲ / ۷۸۱) ابن منظور نیز به این معنا اشاره کرده است. (ابن منظور، لسان العرب، ۵ / ۵۶)

«فطرة» بر وزن «فِعْلَة» اگر چه به معنای آفرینش است، اما آفرینش خاصی مد نظر است؛ زیرا این وزن در زبان عرب اشاره به شکل و هیئت ویژه دارد. (ابن عقیل، شرح ابن عقیل، ۲ / ۱۳۳) بنابراین، آفرینش خاص و ویژه انسان مد نظر است؛ همان آفرینشی که در مباحث گذشته به آن اشاره شد. این مسأله نیاز به واکاوی بیشتر دارد و برای فهم آن می‌بایست گرایش‌های درونی و غرایز و دیگر قوا و استعدادهای وجود انسان را بررسی کنیم تا